



اراده الهی در موضوع معصومیت خاندان پیامبر اسلام(ص) تکوینی است

اگر قرآن فرمان به اطاعت از رسول(ص) و اولی الامر نمی‌داد، هیچ اعتباری از سنت بیان نمی‌شد و ما نمی‌توانستیم به حجیت سنت پی ببریم؛ سنت واجد هر معرفت و آموزه‌ای که باشد، آن را از قرآن گرفته و این آموزه‌ها در گرو قرآن است، زیرا در قرآن آیاتی وجود دارد که تصریح به جامعیت قرآن کرده است.

اگر قرآن فرمان به اطاعت از رسول(ص) و اولی الامر نمی‌داد، هیچ اعتباری از سنت بیان نمی‌شد و ما نمی‌توانستیم به حجیت سنت پی ببریم؛ سنت واجد هر معرفت و آموزه‌ای که باشد، آن را از قرآن گرفته و این آموزه‌ها در گرو قرآن است، زیرا در قرآن آیاتی وجود دارد که تصریح به جامعیت قرآن کرده است.

حجت الاسلام والمسلمین علی شاه‌علیزاده، پژوهشگر مؤسسه دارالحديث و صاحب پایان‌نامه برتر حوزوی با عنوان «#171 ضرورت‌ها و آسیب‌های تفسیر مأثور»، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، ضمن بیان دیدگاه قرآنیون و اخباریون و رویکرد میانه در خصوص رابطه میان کتاب و سنت، به بررسی ادله و شواهد دو نگاه در رویکرد میانه پرداخت.

بخش نخست این گفت‌وگو را اینجا بخوانید!

پژوهشگر مؤسسه دارالحديث رویکرد سوم در مسئله ارتباط کتاب و سنت را مرجعیت هر دو منبع قرآن و سنت در کنار هم به عنوان مرجع آموزه‌های دینی دانست که معتقدان به آن، برخلاف اخباریون و قرآنیون معتقدند که هر دوی این منابع حجت هستند و در این رویکرد سوم، دو دیدگاه وجود دارد که يك دیدگاه متعلق به کسانی است که می‌گویند مرجعیت سنت در طول مرجعیت قرآن بوده و اعتبار سنت از قرآن است و دیدگاه دوم از رویکرد سوم این است که سنت در کنار قرآن و در عرض قرآن و نه در طول قرآن حجت است و اعتبار و حجیت خود را از قرآن نمی‌گیرد.

نویسنده «#171 ضرورت‌ها و آسیب‌های تفسیر مأثور» اظهار کرد: دیدگاه نخست که سنت را در طول قرآن می‌داند، معتقد است که اعتبار سنت از قرآن است و آیاتی نظیر «#171... وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت‌کیفر است» (حشر/7) می‌خواهد به ما بگوید که هر چه رسول به شما گفت، بگیرید و هر چه را از شما نهی کرد، شما هم فروبگذارید؛ بنابراین مشخص می‌شود که این آیه دلالت بر اعتبار کلام رسول(ص) دارد.

وی افزود: با نظر به آیاتی نظیر «#171... وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...؛ هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آن‌که به توفیق الهی از او اطاعت کنند» (نساء/64) و «#171... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر(ص) و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید، پس هرگاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است» (نساء/59) درمی‌یابیم که اطاعت از رسول امری است که قرآن به آن فرمان داده است.

حجت الاسلام شاه‌علیزاده با تأکید بر این‌که اگر قرآن به اطاعت از رسول(ص) و اولی الامر فرمان نمی‌داد، هیچ اعتباری از سنت بیان نمی‌شد و ما نمی‌توانستیم به حجیت سنت پی ببریم، افزود: بر اساس دیدگاه این گروه از علما، سنت از جهت معارف و آموزه‌ها، هر معرفت و آموزه‌ای که دارد، همه را از قرآن گرفته و این آموزه‌ها در گرو قرآن است؛ زیرا در قرآن آیاتی وجود دارد که تصریح به جامعیت قرآن دارد؛ یعنی قرآن جامع معارف است و هیچ کاستی‌ای در قرآن وجود ندارد.

وی در ادامه به ذکر شاهی قرآنی پرداخت و اظهار کرد: به طور نمونه آیه شریفه «#171... مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...؛ هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده‌ایم» (انعام/38) به کامل بودن معارف قرآن اشاره دارد و بیان بودن و روشن‌گر بودن قرآن، در آیه شریفه «#171... وَتَزَيَّنَّا لَكِ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...؛ این کتاب را که روشن‌گر هر چیزی است، بر تو نازل کردیم» (نحل/89) به صراحت بیان شده است.

دیدگاه نخست که سنت را در طول قرآن می‌داند، معتقد است که اعتبار سنت از قرآن است و آیاتی نظیر «#171... وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر/7) می‌خواهد به ما بگوید که هر چه رسول به شما گفت بگیرید و هر چه را از شما نهی کرد، شما هم فروبگذارید.

نویسنده « ضرورت‌ها و آسیب‌های تفسیر مأثور» ادامه داد: اگر قرآن تبیان و بیان‌کننده هرچیز است، پس روشن می‌شود که کاستی در آن وجود ندارد که بخواهیم آن را در سنت بیابیم و کمبودی وجود ندارد که سنت آن کمبود را جبران کند، در نتیجه باید بگوییم قرآن همه چیز را در خود دارد و اگر سنت هم آموزه‌ها و معارفی دارد، این آموزه‌ها و معارف را از قرآن گرفته است.

وی همچنین اظهار کرد: اگر این‌طور بود که سنت مستقل از قرآن آموزه‌هایی برای خود داشته باشد، این امر بر وجود کاستی در قرآن دلالت داشت و مستلزم آن بود که قرآن «تبیاناً لکل شیء» نیست، زیرا سنت دیگری هم وجود دارد که «تبیاناً لکل شیء» می‌شود و نتیجه این بحث آن است که سنت تمام آموزه‌های خود را از قرآن دارد.

حجت‌الاسلام شاه‌علیزاده با اشاره به این‌که مدافعان این دیدگاه برای تأکید بر دلیل قرآنی خود، از روایاتی استفاده می‌کنند که در آنها توصیه به عرضه به قرآن شده است، افزود: آنها می‌گویند که ما روایات زیادی داریم که از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) صادر شده که در آنها به ما توصیه شده که اگر می‌خواهید به درست یا غلط بودن حدیثی پی ببرید، آن را به قرآن عرضه کنید و اگر موافق با قرآن نبود و یا مخالف آن بود، آن حدیث را کنار بگذارید.

وی اظهار کرد: صحت این احادیث مستلزم این معنا است که بگوییم سنت، معارف و آموزه‌های خود را از قرآن گرفته است و در غیر این‌صورت، اگر سنت مستقل از قرآن بود، نمی‌توانستیم آن را با قرآن اعتبارسنجی کنیم و اعتبارسنجی حدیث با قرآن در صورتی منطقی است که داده‌ها و آموزه‌های حدیث داخل در قرآن باشد و استقلالی از قرآن نداشته باشد و نتیجه‌ای که معتقدان به این دیدگاه می‌خواهند بگیرند، این است که سنت هم از نظر اعتبار و حجیت و هم از نظر معارف در گرو قرآن است.